

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL  
 دادگاه دآوری دعاری ایران - ایالات متحد

ثبت شد - FILED  
 ۱۳۶۲ / ۸ / ۱۰  
 1 NOV 1983

شماره ۱۵۹ ۱۵۹

۱۵۹ - ۱۴۳  
 ۱۵۹ - ۱۴۴

پرونده شماره ۱۵۹  
 شعبه سه

قرار موقت شماره ۳ - ۱۵۹ - ۲۸

فورد ارو اسپیس اند کامیونیکیشنز کورپوریشن و  
 ارونوترونیکا و ورسیز ، اینکورپوریتد ،  
 خواهانها ،

- و -

نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ، نیروی زمینی جمهوری  
 اسلامی ایران ، وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران ،  
 دولت ایران و بانک مرکزی ایران ،  
 خواندگان .

DUPLICATE ORIGINAL  
 نسخه برابر اصل

نظر موافق با قرار موقت

*Notice of correction -  
 Opinion of Mr. Mosk*

هرچند با دستور (یا "قرار موقت") موافق اما معتقد نیستم که تشکیل جلسه استماع  
 بمنظور بررسی درخواست صدور قرارهای موقت در پرونده حاضر ضرورت یا مناسبت  
 داشته باشد . دستور مشخص نمی کند که طبق قواعد دیوان قانونا " باید جلسه استماع  
 تشکیل شود . بند ۲ ماده ۱۵ قواعد دیوان که قید می نماید " در هر مرحله از رسیدگی  
 دیوان دآوری باید در صورت درخواست یکی از طرفین " جلسات استماع برگزار  
 نماید ، مشخص نمی کند که برای هر تصمیمی جلسه استماع ضرورت دارد . تبصره ۲  
 ماده ۱۵ قید می کند که دیوان " باید در مورد تقاضاهای کتبی ... در ارتباط با  
 موضوعات شکلی بدون برگزاری جلسه استماع تصمیم بگیرد ، مگر آنکه تحت  
 شرایط خاصی اجازه استدلال شفاهی به طرفین داده یا آنها را به این امر دعوت  
 کند .

- ۲ -

بنا بر این قاعده مزبور هر چند که قدری مبهم است به این مفهوم نیست که در ارتباط با تقاضای قرار موقت برای طرفین حقی جهت تشکیل جلسات استماع ایجاد نمی‌نماید. تقاضای قرار موقت در اینجا بمنظور حفظ حقوق طرفین تا صدور حکم توسط دیوان می باشد و بنا بر این مسئله‌ای که در تقاضای عنوان شده مستنداً "یک موضوع شکلی است . بعلاوه ، ظاهر " منظور از قاعده مزبور اینست که حقی جلسه استماع در ارتباط با تصمیم در مورد ماهیت دعوا را تضمین نماید .

تعدادی دستور مشا به با دستور حاضر بدون هیچگونه جلسه استماعی صادر شده است . در واقع این قرار موقت بدون جلسه استماع صادر شده و بدین ترتیب نشان می دهد که مفهوم قاعده این نیست که در صورت تقاضا جلسه استماع الزاماً " باید تشکیل شود . در بسیاری از موارد قرار موقت باید قبل از آنکه جلسه استماعی بتواند تشکیل شود صادر گردد .

در مورد پرونده حاضر ، هر چند میتوان جلسه استماعی تشکیل داد ، اما زحمتی اضافی است که هم از نظر طرفین و هم دیوان تخمیلی آن ضرورت ندارد ، دیوان از کلیه واقعیات و مسائل حقوقی پرونده مطلع است و دلیلی وجود ندارد که مدارک دیگری ارائه شود . مآخذ فراوانی ناشی از دعاوی دیگر مطروحه در دیوان وجود دارد که مسائل عین مسائل مطروح در تقاضای حاضر را بر صدور قرار موقت در آنها آموخته است . بدین ترتیب بنظر اینجانب دلیلی وجود ندارد که در ارتباط با تقاضای قرار موقت در پرونده حاضر جلسه استماعی تشکیل داده شود .

اینجانب همچنین معتقدم که در دستور باید تصریح میشد که جریان رسیدگی در دادگاه عمومی تهران تا دستور بعدی دیوان متوقف شود و نه تا ۳ روز بعد از جلسه استماع در دیوان دآوری . بر اساس تحریبات گذشته دیوان ، تا حدودی نگرانم که مبادا ظرف ۳۰ روز نتوان تصمیمی اتخاذ نمود .

در مورد این اظهارات که بدون درخواست طرفین نمی توان

بیروندہ ای رادرا ایران متوقف نمود، واقعیت اینست کہ خواندگان طبق قانون مدنی ایران توانائی کامل جهت رعایت دستور رادارند. معمولاً دادگاهها فی نفسہ اختیار توقیف دادرسی را دارند - رجوع شود بہ روسل - اوکلاف علیہ جی دی سیرل اندکا مپنی لیمیتد (۱۹۷۸) 1 Lloyd's L.R. 225, 229-230 در قانون مدنی ایران وسایلی جهت رعایت دستور پیش بینی شدہ است. رجوع شود بہ نمونہ بہ آئین دادرسی مدنی ایران، مواد ۱۲۷ و ۲۹۸. اینکسہ خواندگان می توانند ہر اقدام موثری بجز استرداد دعوا را بعمل آورند۔ نامہ مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۸۳ (۵ اردی بہشت ماہ ۱۳۶۲) کہ در بیروندہ شمارہ ۹۲۸ بوسیلہ جمہوری اسلامی ایران بہ ثبت رسیدہ تائید می نماید. در آن نامہ نمایندہ جمہوری اسلامی اظہار داشت کہ در یک بیروندہ مطروح در دادگاہ عمومی تہران، کہ متضمن شرایط مشابہی است، ترار توقیف دادرسی تنها بدرخواست وکیل وزارت دفاع تحصیل شدہ است. در بیروندہ حاضر موضوع در ایران بدون دخالت خواندگان دادرسی ہای ایران بتعویق افتاد.

مضافاً "ایران قانوناً" متعہد است کہ بہ دستورہای دیوان عمل نماید زیرا دیوان داوری طبق یک موافقتنامہ بین المللی تاسیس گردید و ایران مقید بہ آن می باشد. بیانہ ہای الحزیرہ و تعہدات ایران بموجب بیانہ ہا در ایران نفاذ قانونی دارند. مادہ ۹ آئین دادرسی مدنی ایران. بعلاوہ ایران مسئول تخلف محاکم خود از تعہدات بین المللی می باشد. رجوع شود بہ سمیسون اند فاکس،

International Arbitration 262 (1959) ایگلٹون

(1)

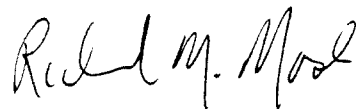
The Responsibility of State in International Law 69-71 (1978)

ہمچنین در ارتباط با قرار موقت شمارہ ۱-۲۸-۲۱ یا دآور می شوم کہ رئیس این شعبہ تلگرافی بہ طرف آمریکائی کہ قرار موقت علیہ او صادر شدہ بود ارسال داشت و توضیح داد کہ "درخواست مذکور در "قرار" در حکم یک دستور بودہ و بمنزلہ یک دستوری می باشد". تصور می کنم کہ این اظہار، طبق مقررات بنیاد

(۱) باید توجہ داشت کہ دیوان عمومی قبلاً نظر دادہ است کہ قید انتخاب مرحلہ رسیدگی در قرار داد مورد بحث در مورد خاص صلاحیت دیوان را سلب نمی کند. حکم اعدادی شمارہ آی ال اف تی - ۱۵۹ - ۶ (۵ نوامبر ۱۹۸۲ - ۱۴ آبانماہ

- ۴ -

۱ ماده ۱۵ قواعد دیوان دایربراینکه باید " با طرفین به مساوات رفتار شود " در  
دستور حاضر نیز بهمان میزان صدق می‌کند .



ریچارد ام . ماسک

لاہہ ، بہ تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۹۸۳ برابر با ۲۹ مہرمہ ۱۳۶۲